

# رهیافتها و راهبردهای اوپک در محیط بازار

نگارش: بهروز پورسینا - از دفتر برنامه‌ریزی معاونت امور انرژی وزارت نیرو

## چکیده

یک سیستم را می‌توان مجموعه‌ای از اجزاء متفاوت و مجزایی دانست که در ربط و هماهنگی با یکدیگر، دارای سمت و سوی واحد در تحصیل و تأمین هدفی مشترکند؛ شناسایی اجزاء و روابط میان آنها، مقدمه و شرط لازم برای درک جامع آن مجموعه خواهد بود.

در این تحقیق، روش‌شناسی مباحث ارائه شده متأثر از شیوه‌مزبور است و تلاش می‌شود با تحلیل‌های پویا از رفتار اوپک و دیگر کارگزاران بازار، برخی نقاط ضعف و قوت این سازمان در اجزاء و اهداف تبیین، و رهیافتها و راهبردهای آن در محیط بازار بین‌الملل نفت ارزیابی گردد. همچنین این موضوع مورد تأکید قرار می‌گیرد که آیا تغییر قیمت‌های جهانی نفت پس از سال ۱۹۹۵، معلول حوادث و پدیده‌های مقطعی است یا نشانه‌ای از قدم نهادن بازار نفت به عرصه‌ای نوین در تحولات صنعت نفت می‌باشد؟

این مقاله، از مباحث تالی تشکیل یافته است: «فرآیند تحولات بازار نفت و رهیافتهای کارگزاران»، «تغییر توازن نیروی کارگزاران در آستانه قرن بیست‌ویکم» و «راهبردهای رفتاری اوپک». کلید واژه‌ها: تحولات بازار نفت؛ اوپک

## مقدمه

امروزه سیمای بازار جهانی نفت، برآیندی از نیروهای مؤثر بر آن است. به دلیل نقش غیر قابل انکار نفت در رشد و توسعه تمدن امروز، همچنین نقش کلیدی آن در صنایع مختلف، تا پیش از نیمه دوم دهه هشتاد، نفت به عنوان یک کالای استراتژیک در صحنه معادلات سیاسی - اقتصادی بین‌الملل، مطرح بود؛ اما در پی تحولات بنیادین بازار، این جایگاه را به صورت مجازی و تحمیلی از دست داد. امان نظر در ساخت کنونی بازار و برآیند نیروهای آن، این امکان را فراهم می‌سازد که در تحلیل نوسانات قیمت و پیش‌بینی، به درک و تلقی درست‌تری دست یابیم.

## فرآیند تحولات بازار نفت و رهیافتهای کارگزاران

بازار نفت، به عنوان شبکه ارتباطی کارگزاران صنعت نفت و اجزاء آن به موازات اکتشاف نخستین چاههای نفت شکل گرفت و به سرعت توسعه یافت. به دلیل شکل انحصاری بازار، تولیدکنندگان نفت در آمریکا کارگزاران اصلی این صنعت محسوب می‌شدند. گستره فعالیت و نفوذ این شرکتها بر بازار نفت، امکان فعالیت پالایشگران و شرکت‌های مستقل نفتی خارج از آمریکا را

عملاً منتفی ساخته بود. به نحوی که مسیر دستیابی به نفت، فقط از طریق همین شرکت‌های عمده میسر بود. در این بازار، قیمت‌های نفت، قیمت‌های اعلان شده ثابتی بود که صرفاً برای تغییر در محاسبه «مالیات» تغییر می‌کرد. در کنار آن، بخشی از نفت نیز در بازار آزاد و با کمترین نوسان، تعیین قیمت می‌شد.

با کشف منابع جدید نفت در سایر نقاط جهان و شروع دوران امتیاز نامه‌ها، برخی جنبه‌های رقابتی نیز به این بازار افزوده شد. شرکت‌های مستقل نفتی که جوایز جایگاه و نقش مهمتری در صنعت جهانی نفت در کنار هفت شرکت عمده نفتی بودند، درصدد توسعه حوزه فعالیت خود در کشورهای صاحب نفت برآمدند. کاهش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۶۰ توسط شرکت‌های عمده، منجر به اقدام پنج کشور ونزوئلا، کویت، عربستان، عراق و ایران در تأسیس سازمان اوپک گردید. با شروع فعالیت اوپک و پیوستن چند کشور مهم نفت خیز دیگر به این سازمان، اتحادیه‌ای به وجود آمد که از برخی جهات، ویژگیهای یک کارتل را در زمینه سیاستگذاری از خود نشان داد.

توسعه و گسترش فعالیت شرکت‌های مستقل و ورود شرکت‌های جدید به این بازار، نقطه عطفی در تغییر وضعیت موجود محسوب گردید. از این رهگذر، ترتیبات قیمت‌گذاری

منظم به تدریج درهم ریخت؛ نظم جدید در بازار و صنعت نفت، به اوپک جرأت و دلگرمی داد و کشورهای عضو خواستار سهم مالیاتی بیشتری شدند.<sup>۱</sup>

در ادامه این حرکت و به منظور مقابله با انحصار تجاری شرکتهای بزرگ، برای بازاریابی و فروش نفت از دلالان و معامله گران در طیفی گسترده تر استفاده شد. با تحولات کمی و کیفی در سیمای بسیط و یکنواخت بازار و به دلیل افزایش حضور معامله گران در تجارت نفت، این مجموعه با ساختی جدید و در قالبی متفاوت، با گذر ایام به تکثر و پیچیدگی هرچه بیشتر میل نمود. تشکیل هسته های اولیه نوسانات قیمت را در ارتباط با ساخت نوین بازار می توان قابل توجیه دانست. در دهه ۱۹۷۰ و پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳، گرایش تولیدکنندگان به سمت مالکیت در فعالیتهای بالادستی رو به فزونی گذاشت. با توجه به این امر و با قبول این واقعیت که اکتشاف، تولید و پالایش از امور بسیار پر هزینه بود، در یک حرکت تدریجی، نوعی انتقال تکنولوژی از سوی شرکتهای عمده به کشورهای صاحب نفت طرف قرارداد، خصوصاً کشورهای اوپک پا گرفت. تمایل شرکتهای عمده نفتی به سوی فعالیتهای پایین دستی و تفکیک آن از عملیات توأم بالا و پایین دستی در صنعت نفت نیز، این انتقال تکنولوژی را ایجاب می کرد. تغییر استراتژی شرکتهای عمده نفتی، نظام مدیریتی این مجموعه را از محاسبه سود در عملکرد کل مجموعه، به سیستم مدیریت نقطه ای سوق داد. در مدیریت نقطه ای برخلاف نوع اول که سوددهی شبکه در کل فرآیند مورد نظر است، سود در هر مجموعه و به صورت مستقل از دیگر مراکز محاسبه می گردد.

در سال ۱۹۷۴، اوپک با اعلام این که قیمتهای رسمی را تابعی از قیمتهای بازار آزاد می داند، نخستین گام جدی را به سوی بنای بازار آزاد نفت برداشت. حرکتی آژانس بین المللی انرژی (IEA) و نقش جدیدی که شرکتهای نفتی (خصوصاً شرکتهای بزرگ)

برای خود در نظر گرفته بودند، سنگ بنایی برای یک نظام نو در بازار گردید تا آنجا که آکینز (از مقامات وزارت امور خارجه آمریکا) در اواخر سال ۱۹۷۹ اظهار داشت «امروز بازار آزادی برای نفت وجود دارد و آخرین چیزی که اقتصاد سرمایه داری نیاز دارد، همین بازار آزاد نفت است».<sup>۲</sup>

در این ارتباط، سه تفسیر مختلف از وقایع دهه هفتاد و سیاستهایی که می بایست از سوی دولتها اعمال و به اعتبار آنها منافع و مصالح عمومی کشورهای مصرف کننده تأمین گردد، ارائه شد.<sup>۳</sup> دیدگاه نخست، وقوع بحران واقعی انرژی را پیش بینی می کرد. نظریه دوم این بحث را طرح نمود که برای کشورهای مصرف کننده، بحرانهای مورد نظر در واقع یک مسئله امنیت ملی است. سیاستهایی که برای برخورد و مقابله با این گونه بحرانها در هر دو تحلیل توصیه گردید، عمدتاً در یک راستا بود و بر سیاستهای جایگزینی<sup>۴</sup> و صرفه جویی انرژی، همچنین توسعه اکتشاف ذخایر جدید نفت و گاز تأکید داشت.

نگرش سوم قائل به آن بود که «بحرانهای مزبور، امری مصنوعی و ناشی از قدرت انحصاری اوپک است. این بحران از ساخت بازار و نه کیمیایی نشأت می گیرد. در این نگرش، چون مسئله، قدرت ناشی از انحصار است سیاست مطلوب نیز خود به خود رقابتی کردن بیشتر بازارهای نفت خواهد بود».

سیاستهای اتخاذ شده از سوی دولتهای مذکور، ترکیبی از همین سیاستها و راهکارها بود و در عمل، نه تنها منجر به تغییرات قابل توجه در الگوی مصرف و تولید انرژی در کشورهای عمده مصرف کننده غرب گردید، آن گونه که اشاره شد ساخت و سیمای بازار را نیز دستخوش تحول و دگرگونی نمود. البته رهیافتهای غیر مسئولانه اوپک در توسعه و تعمیق این چرخش و دگرگونی، سهم بزرگی داشت آن گونه که جهش شدید قیمتهای نفت در سال ۱۹۷۹ و سیر تحولات بعدی، دهه هشتاد را دروازه ای برای ورود به عصر تازه صنعت نفت ساخت.

در نیمه اول دهه هشتاد، به تدریج از فعالیت های پرهزینه شرکتهای بزرگ نفتی کاسته شد و حرکتی در جهت توسعه رقابت و بازاری کردن فعالیت در صنعت نفت آغاز گردید. در نتیجه، انحصار جای خود را به نوعی کنترل و اعمال نفوذ در بازار داد. در این روند، مزیت و برتری نسبی برای تولیدکنندگان در تسلط بر منابع، تولید و پالایش نفت و برای شرکتهای فعالیتهای تجاری و بازاریابی نفت شناخته شد.<sup>۵</sup>

استراتژی مذکور (در نیمه اول دهه هشتاد)، در جهت کاهش نقش اوپک در بازار جهانی نفت دنبال شد. تحکیم و گسترش بازارهای لحظه ای و استفاده تجاری از تأسیسات پالایشی با به کار گرفتن قراردادهای نت بک (Netback)، از جمله موارد بارز در این استراتژی است که به منظور تقویت روزافزون زمینه های رقابت در بازار آزاد نفت در پیش گرفته شده است. در این مجموعه، شرکتهای نفتی با در اختیار داشتن مکانیزم ها و ابزارهای عرضه و تقاضای نفت در شرایط رقابت نسبی و نیز با در اختیار داشتن انحصار نسبی بر خرید و فروش نفت و فرآورده های نفتی در اکثر کشورهای صنعتی با حداقل هزینه مورد نیاز در تجارتی بسیار پرسود وارد شده بودند.

عدم ادغام عملیات اکتشاف و تولید با عملیات پالایش و توزیع نفت خام در جهان، در خلال سالهای کمبود عرضه در بازار نفت (سالهای ۱۹۷۹/۸۰) در ابتدا به سود کشورهای تولیدکننده نفت تمام شد، اما اشباع بازار متعاقب این دوره، تلاش این کشورها را برای ایجاد هماهنگی میان قیمت گذاری و سیاستهای مربوط به تولید از یک سو و تقاضای جهانی از سوی دیگر، پیچیده ساخت. کشورهای عضو اوپک که به عنوان مهمترین تولیدکنندگان نفت در جهان شناخته شده بودند و در قالب یک سازمان با سیاستهای هماهنگ عمل می کردند، به شکل حادثی از این دگرگونی ها تأثیر پذیرفتند به طوری که با افزایش تولید نفت غیر اوپک و کاهش تدریجی



قیمتهای جاری و رسمی نفت از سال ۱۹۸۱، این گروه از تولیدکنندگان، پذیرای نقش صادرکنندگان نهایی نفت (Residual Suppliers) شدند.<sup>۵</sup>

از آنجا که تولید نفت کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ در کنترل کامل شرکتهای نفتی بود از ظرفیت کامل آنها استفاده می‌شد. این امر در مورد نفت مناطق پر هزینه دریای شمال و نفت فلات قاره آمریکای شمالی مصداق داشت، زیرا در یک منطقه با هزینه بالا صرف در آن است که تولید، با ظرفیت کامل از تسهیلات موجود، تضمین گردد. «به این ترتیب طی این سالها تولیدکنندگان منطقه OECD، نقش تعدیل‌کننده حجم نفت عرضه شده در بازارهای جهانی را به عهده گرفتند.»

با شکل‌گیری ساختار جدید بازار نفت و تغییر راهبردهای شرکتهای عمده نفتی، شرکتهای مستقل که بخش قابل توجهی از نفت یا فرآورده‌های مورد نیاز خود را از شرکتهای عمده تأمین می‌کردند، متوجه خرید مستقیم از بازارهای فروش آزاد نفت و فرآورده‌های نفتی شدند. این حرکت باعث شد شرکتهای مستقل نفتی به صورت یکی از اجزاء اصلی بازارهای نفت تک محموله‌ای (لحظه‌ای) و سلف درآیند، به نحوی که می‌توان شرکتهای مستقل نفتی را عامل مهمی در تثبیت روشهای معاملاتی مزبور در بازار نفت دانست.<sup>۶</sup>

شرکتهای تجاری که پیش از این، در امر بازرگانی و بازاریابی کالا، تجارب زیادی اندوخته بودند، در زمینه نفت به تجربه جدیدی دست زدند. برخلاف ادوار گذشته که بازرگانی و تجارت کالا و نفت، صرفاً به منظور برآورده ساختن نیازی صورت می‌گرفت، این شرکت‌ها در تجارت تازه نفت، مکانیزم‌های مبادلات و معاملات بورس را به کار گرفتند. در این برهه، ذخایر استراتژیک نفت که عملاً پیش از این، توسط شرکتهای عمده نفتی نگهداری می‌شد بیش از پیش مورد توجه دولتهای مصرف‌کننده قرار گرفت و این

دولتها به همراه سایر شرکتهای در منطقه OECD، ذخایر مزبور را از ۷۶ روز مصرف سلف در سال ۱۹۷۹ به ۱۰۲ روز در سال ۱۹۸۳ رساندند.<sup>۷</sup>

مجموع این عوامل باعث شد تا از قدرت چانه‌زنی اوپک در بازار نفت کاسته شود. رهیافت درونگرایی اوپک در مقابل این وضعیت، خدشه بیشتری به جایگاه تضعیف شده این سازمان وارد آورد. اوپک در سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱، با قیمت‌گذاری نفت سبک ۳۴ درجه رأس‌التورن عربستان (نفت شاخص کشورهای اوپک)، سیاست حمایت از قیمت نفت پایه این سازمان را دنبال می‌کرد. چنین سیاستی نشان می‌داد که توجه اساسی اوپک، معطوف به ثبات قیمتهاست. در چنین رژیم، میزان تولید با مکانیزم قیمتها در بازار تنظیم می‌گردید.

در دوره سالهای ۸۳-۱۹۸۲، سیاست کنترل قیمت‌های نفت، از طریق تنظیم برنامه تولید اعمال شد. مارس ۱۹۸۳ تا جولای ۱۹۸۵، دوره کنترل همزمان تولید و قیمت نفت از طریق اعمال سهمیه‌بندی و قیمت‌های مشخص برای نفت پایه اوپک بود. بنابراین، عکس‌العمل‌های اوپک در نیمه اول دهه هشتاد و رهیافتهای درونگرایانه‌ای که این اتحادیه اتخاذ نمود، جهان را آماده ورود به عصر جدیدی در تاریخ تحولات صنعت نفت در سال ۱۹۸۶ کرد.

اعضای اوپک که از دیرباز از سیستم قراردادهای مدت‌دار، در معاملات نفتی خود استفاده می‌نمودند، با وارد شدن به فضای متفاوت پس از سال ۱۹۸۰، هر یک برای کسب درآمد بیشتر یا به دست آوردن سهم بیشتری در فروش نفت به طرق مختلف سعی در عدول از این مشی سنتی و رسمی کردند.<sup>۸</sup> این معاملات، اگرچه در ظاهر کمکی به فروش نفت می‌کرد و می‌توانست از فشارهای مالی وارده به کشورهای صادرکننده نفت بکاهد اما در عمل، اوپک را نگران ساخت زیرا توافقاتی از این قبیل، نظام قیمت‌گذاری اوپک را مختل می‌ساخت. شرکتهای نفتی نیز با توجه به اصل بهینه

ساختن هزینه‌های استفاده از نفت خام، ضمن دوری جستن از قراردادهای بلندمدت، مشتاقانه به سمت بازارهای تک محموله‌ای و خرده‌فروشی نفت خام روی آوردند (در صورت عدم پیش‌بینی محدودیتهای عرضه، این شیوه بیشترین انعطاف‌پذیری را برای آنان فراهم می‌ساخت). در این راستا حجم نفت خامی که به صورت تک محموله و خرده‌فروشی عرضه می‌شد از ۱ تا ۳ درصد در سال ۱۹۷۹، به یک سوم نفت خام مورد دادوستد جهان در سال ۱۹۸۴ افزایش یافت.<sup>۹</sup> در این بازار با مازاد عرضه، پالایشگران نفت استفاده از بازار تک محموله‌ای را هر جا ارزاتر از قراردادهای بلندمدت بود ترجیح می‌دادند. البته در این دوران قراردادهای بلندمدت نفتی کلاً کنار گذاشته نشد، زیرا برای یک شرکت بزرگ، هم به دلیل ملاحظات استراتژیکی و هم به دلایل تدارکاتی، همواره وجود ترتیبات بلندمدت ضرورت داشت، آنچه رخ داد این بود که سهم این قراردادها به نفع دادوستدهای کوتاه‌مدت و تک محموله‌ای کاهش یافت و علاوه بر این، طول مدت قراردادها نیز به طور کلی کوتاه‌تر شد و در عمل از ۹ ماه تجاوز نکرد.<sup>۱۰</sup>

با کاهش روند قیمت‌های تک محموله‌ای نسبت به قیمت‌های رسمی و استفاده از سیستم‌های جدید عرضه و قیمت‌گذاری نفت از سوی کشورهای تولیدکننده که مهمترین آنها، مکانیزم‌های سلف‌فروشی و قیمت‌گذاری متکی به حاصل یا نت‌بک بود، بهره‌برداری از بازارهای تک محموله‌ای محدود شد.<sup>۱۱</sup>

در سپتامبر ۱۹۸۵، دبیرخانه اوپک، گزارشی در اختیار وزرای نفت کشورهای عضو سازمان قرار داد که در آن، کارشناسان اوپک، خطر بالقوه‌ای که استحکام بازار و در نتیجه قیمت‌های رسمی نفت را مورد تهدید قرار داده بود به اعضا گوشزد کردند. این گزارش تحت عنوان «مسامحه‌کاری کشورهای عضو در امر بازاریابی و فروش نفت» ارائه شد.<sup>۱۲</sup> این گزارش، عوامل اختلال در بازار را به دو دسته اساسی تقسیم می‌کرد:

## جدول (۱)

## روشهای فروش نفت اوپک در نوامبر ۱۹۸۵

سهم (به درصد)	روش
۲۰	شراکت/ قراردادهای خاص
۲۰	فروش براساس شرایط بازار
۱۰	فروش براساس قراردادهای پایاپای و متقابل
۱۰	فروش تک محموله‌ای
۱۴	فروش براساس قراردادهای نت‌بک
۱۶	فروش محصولات نفتی و مواد تصفیه شده
۱۰	سایر انواع <sup>۱</sup>

۱- شامل فروش به قیمت رسمی و سایر فروشهایی که ردیابی آنها ممکن نیست.

منبع: PIW، شماره ۶، ژانویه ۱۹۸۶.

فروش نفت به کشورهای شمال غربی اروپا و ایالات متحده آمریکا نایل شود و به عنوان رقیب جدی این مناطق در زمینه عرضه نفت خام با تحویل فوری مطرح شود<sup>۱۷</sup> (عرضه نفت خام با تحویل فوری دریای شمال و آمریکا در کوتاه مدت نسبت به تغییر قیمت، تقریباً کشتش ناپذیر بود).

با وارد شدن نخستین محموله‌های فرآورده‌های نفتی عربستان به این بازارها که قیمت آنها با سیستم نت‌بک محاسبه شده بود، تأثیر آن بر قیمت نفت خام مورد اشاره به زودی پدیدار شد و دیری نگذشت که به نحو چشمگیر و سریعی موجب کاهش این گروه از نفت خام شد.<sup>۱۸</sup>

بحران قیمت‌های نفت در سال ۱۹۸۶ در چنین شرایطی به وقوع پیوست و بهای هر بشکه نفت را از مرز ۲۸ دلار، به زیر ۹ دلار در هر بشکه رساند. به دنبال این حادثه، بازارهای آتی نفت که تا این زمان به صورت جزئی و حاشیه‌ای در کنار مسیر اصلی تجارت جهانی نفت به صحنه آمده بودند، جایگاه متفاوت و توسعه یافته‌ای برای خود طلب کردند. در این بازارها بود که با تثبیت یا معرفی قراردادهای جدید زمان آینده (Futures)، حق اختیار (Options) کوتاه و بلند، معاوضه (Swaps)، کلار (Collar) و نظایر آن، جناح مصرف‌کنندگان موفق به اجرای سیاست

نمی‌پذیرد و سعی خواهد نمود تا سطح تولیدات خود را افزایش دهد. در عمل، این افزایش تولید و صادرات از طریق مکانیزم قیمت‌گذاری متکی به حاصل یا همان نت‌بک، صورت گرفت (معاملاتی که قبل از سال ۱۹۸۵، تحت عنوان نت‌بک انجام می‌شد، با آن سری از قراردادهایی که عربستان مبدع آن بود، تفاوت اساسی داشت). برطبق آمارهای مندرج در فوریه سال ۱۹۸۶، روزانه  $2/630/000$  بشکه از صادرات نفت عربستان، توسط این سیستم عرضه می‌شد.<sup>۱۶</sup> اقدام عربستان به عقد اینگونه قراردادهای پیروی برخی دیگر از کشورهای عضو، موجب شد تا نفت خامی که در قالب توافقات درازمدت تحویل می‌شد، بطور ضمنی با قیمت‌های نفت خام با تحویل فوری ارزیابی و سنجیده شود. این خصوصیت، امکان عقد قرارداد فروش نفت خام در حجم وسیع و دوره طولانی را تسهیل می‌کرد. همچنین به دلیل کاهش ریسک برای پالایشگران، چنین معاملاتی نسبت به میزان سوددهی، درصد بالایی از اطمینان را به همراه داشت و نتیجه طبیعی اجرای آن، کم شدن فاصله نقطه تحویل نفت خام با بازارهای تقاضای مصرف‌کنندگان نهایی بود.

در نتیجه، عربستان توانست مجدداً به هدف خود مبنی بر دستیابی به بازارهای

(الف) عدم کارآیی سازمان در تنظیم و تصحیح قیمت‌های رسمی اوپک، باتوجه به ارزیابی تخفیف‌های ضمنی در انواع سیستم‌های مبادلاتی که در آن، از قیمت‌های رسمی نفت خام اوپک عدول شده بود.

(ب) عدم تنظیم و تصمیم‌گیری سازمان نسبت به چگونگی و میزان فروش فرآورده‌های نفتی، نفت خام با درجه API بسیار پایین، LPG و نظایر آن.

با این مقدمه، کارشناسان مزبور سهل‌انگاری و مسامحه‌کاری در امر بازاریابی نفت را به پنج دسته تقسیم کردند:

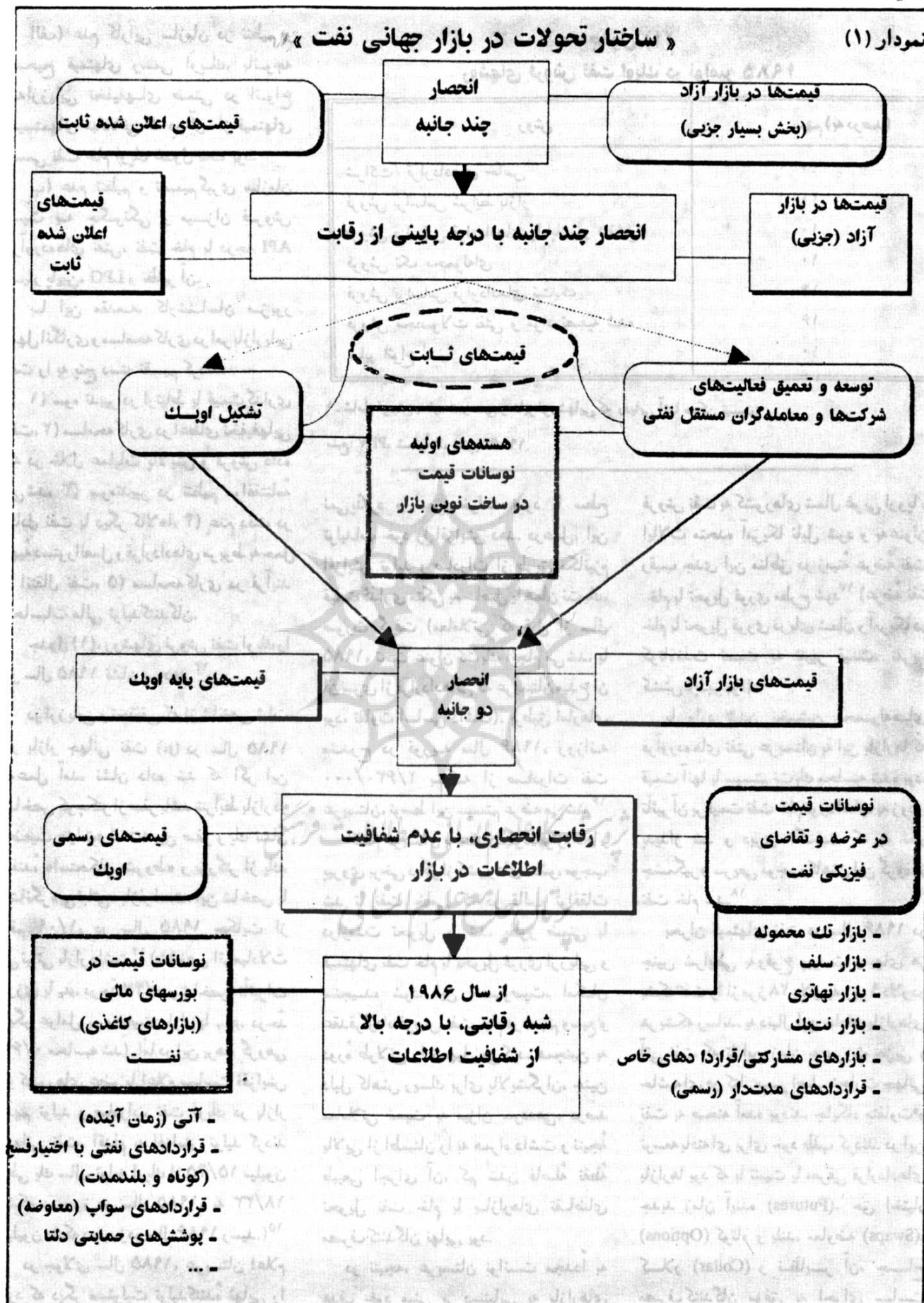
(۱) سوء تدبیر در ارتباط با قیمت‌گذاری نفت، (۲) مسامحه‌کاری در اعطای تخفیفهایی که در خلال عملیات پالایش و فروش داده می‌شد، (۳) سوء تدبیر در تنظیم موافقتنامه تبادل نفت با دیگر کالاها، (۴) عدم دقت در تهیه دستورالعمل و قراردادهای مربوط به حمل و انتقال نفت، (۵) مسامحه‌کاری در فرآیند محاسبات مالی تولیدکنندگان.

جدول (۱)، روش‌های فروش نفت اوپک را در سال ۱۹۸۵ نشان می‌دهد.<sup>۱۳</sup>

در ارزیابی و تحقیقی که از شاخص ثبات در بازار جهانی نفت (μ) در سال ۱۹۸۵ به عمل آمد، نشان داده شد که اگر این شاخص کوچکتر از صفر باشد شرایط بازار در وضعیت «ثبات» است؛ بین صفر و یک نشان دهنده «استحکام مشروط» و بزرگتر از یک، نشانگر «بی‌ثباتی» بازار است. این شاخص با رقم  $1/09$ ، در سال ۱۹۸۵ حکایت از بی‌ثباتی بازار داشت<sup>۱۴</sup> (شاخص اثر مبادلات ارزی یا μ، در حد  $0/47$  و شاخص تأثیرات دیگر عوامل بر وضعیت بازار یا μ، در حد  $0/62$  محاسبه شد). اما در این برهه، گروهی از کشورهای عضو با اعلام سیاست افزایش سهم تولید و صادرات نفت اوپک در بازار جهانی نفت، اقدام به افزایش تولید کردند (طی یک سال، تولید اوپک از  $15/45$  میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵، به  $18/33$  میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۶ رسید).<sup>۱۵</sup> در جولای سال ۱۹۸۵، عربستان اعلام کرد که دیگر مسئولیت تولیدکننده نهایی را

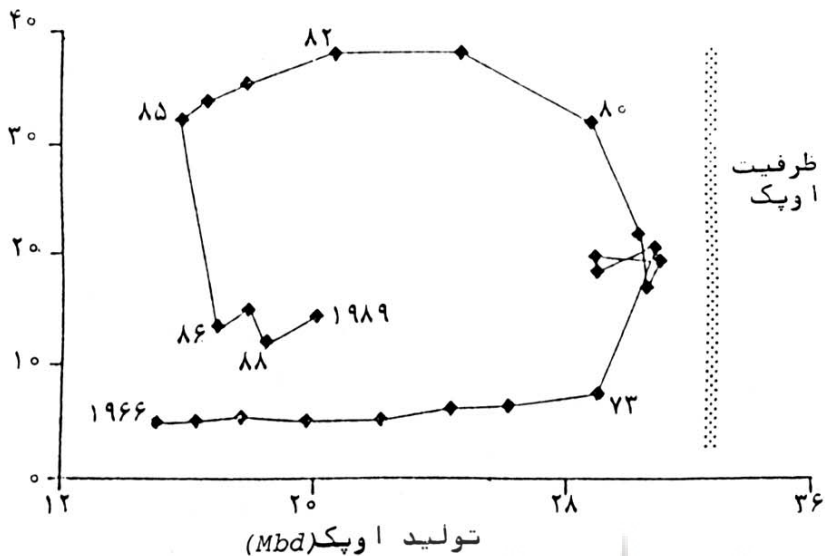


## « ساختار تحولات در بازار جهانی نفت »



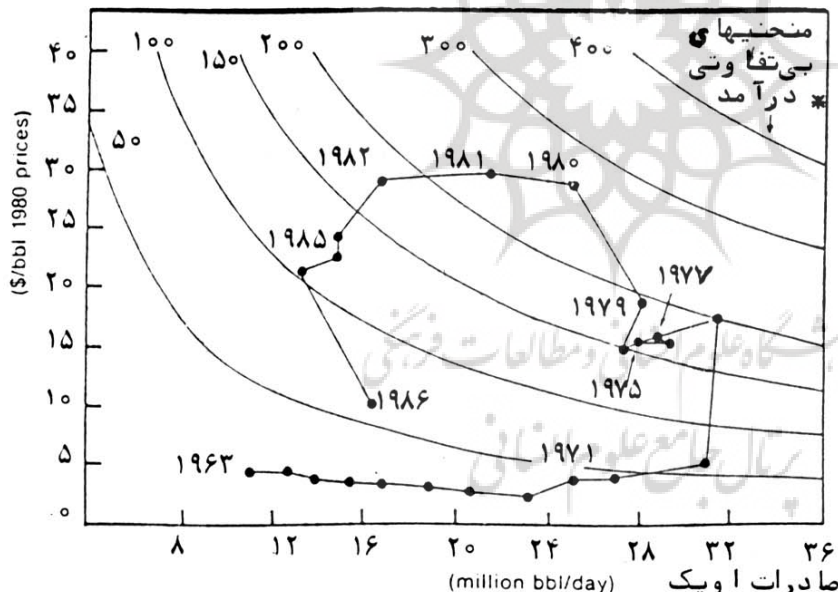
نمودار ۲- الف نوسانات تولید اوپک و قیمت‌های جهانی نفت

قیمت نفت (\$86/bi)



نمودار ۲- ب صادرات اوپک و منحنی‌های بی تفاوتی درآمد

قیمت نفت



\* ارقام منحنیهای بی‌تفاوتی درآمد به میلیارد دلار می‌باشد.

«مدیریت ریسک»، باروهای جدید بازارهای بورس مالی و کالا در محیط بازار نفت گردیدند. از این رهگذر، ضمن تقویت هرچه بیشتر ساختار بازارهای رقابتی در محیط بازار نفت، نقش اوپک در تعیین قیمت‌های جهانی نفت خام، بیش از پیش تضعیف شد.<sup>۱۹</sup> بنابراین، دینامیسم تحول در دهه هشتاد به خوبی نشان داد که چگونه شوک نفتی سال ۱۹۷۹، مستمسکی برای تغییر رفتار بازار و تغییر رژیم مبادلات نفتی گردید و این رژیم‌های نو، تا چه حد در به وجود آمدن یک بحران نفتی مؤثر واقع شد (سال ۱۹۸۶). ظهور مکانیزم‌های جدید مبادلات مالی نفت در محیط این بازار پس از بحران مزبور، سیر این تحولات را به نفع جناح مصرف‌کنندگان کامل ساخت (نمودار ۱)؛ باید اذعان کرد که طی این مدت، اوپک نه تنها سیاست قابل دفاعی در پیش نگرفت، بلکه بعضاً در حد یک نظاره‌گر و اتحادیه‌ای منفعل و ضعیف در بازارهای جهانی نفت ظاهر شد (نمودارهای ۲- الف و ۲- ب).<sup>۲۰</sup>

تغییر توازن نیروی کارگزاران در آستانه قرن بیست و یکم

بازار نفت، از کارگزاران متعددی در طرفهای عرضه و تقاضا تشکیل یافته است اما در این مجال و در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان کارگزاران را به دو بخش مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (با تأکید بر نقش اوپک) تقسیم کرد.

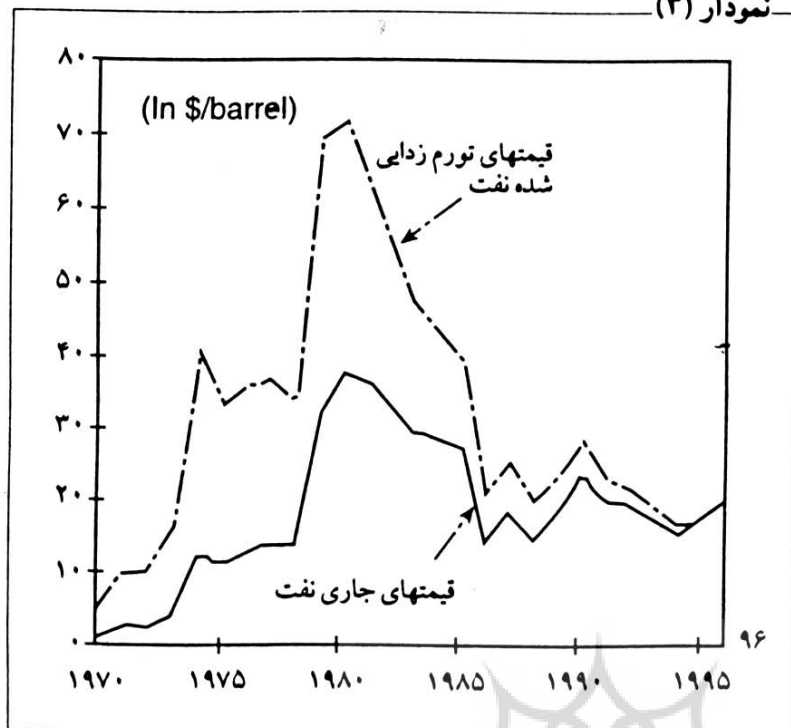
سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی مبنی بر کاهش و کنترل سطح تقاضا در کشورهای OECD یا جناح مصرف‌کنندگان از طریق «جان‌سین‌سازی»، «افزایش بهره‌وری تولید و مصرف حامل‌های انرژی»، «کاهش درصد اتلاف انرژی»، «توسعه ذخایر استراتژیک نفت»، «کنترل قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی برای مصرف‌کنندگان نهایی از طریق مکانیزم‌های مالیاتی»، همچنین کاهش تقاضای کل نفت به دلیل

و تدارک‌های استراتژیک را بر آن داشت تا با اشتیاقی سیری‌ناپذیر، فعالیت‌های جدیدی در جهت به کارگیری تکنیک‌ها و فنون مزبور در بازارهای تازه صورت دهند؛<sup>۲۱</sup> عامل نقصان در بازارهای پولی هم‌تراز جهت کسب سود از طریق آربیتراژ، به حداقل میزان قابل تصور رسیده بود و از آنجا که فعالیت در تجارت نفت، هنوز به شکلی گسترده در قالب مبادلات

تقویت نرخ مبادله دلار در مقابل سایر ارزها، زمینه را برای تکوین ساختار جدید بازار در دوره سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ فراهم ساخت. این پدیده در عمل، پس از رواج قراردادهای نفتی با حق فسخ (Option) در بازار نفت در سال ۱۹۸۶ فسخ گرفت. رویدادهای اکتبر سیاه در سال ۱۹۸۷ در بازارهای بین‌المللی پول و سهام، بورس بازان

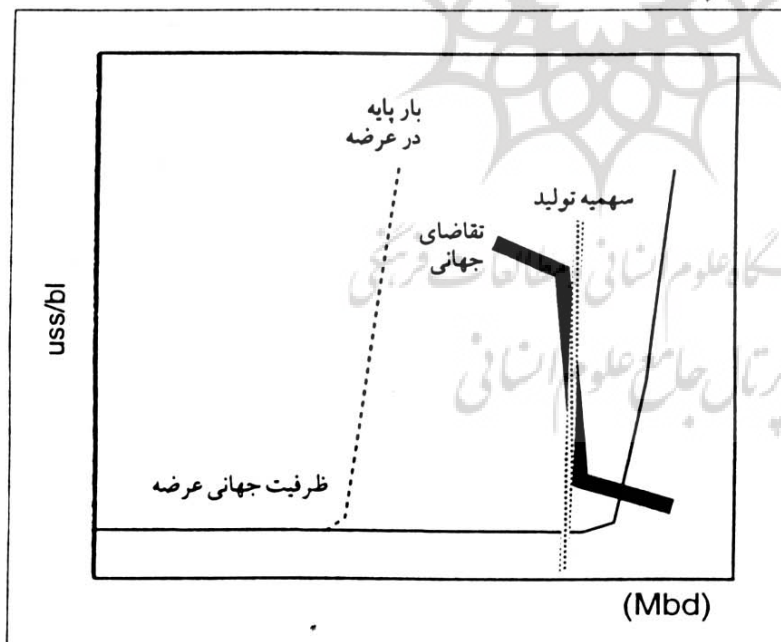


نمودار (۳)



■ ماخذ: PIW، ژانویه ۱۹۹۷

نمودار ۴- طرفهای عرضه و تقاضا در بازار جهانی نفت



با این همه، تنظیمات و تعدیل قیمت‌ها در محیط بازار به گونه‌ای است که تعادل عرضه و تقاضا یا فشار تقاضا، در جهت تقویت «قدرت چانه‌زنی» تولیدکنندگان عمل می‌کند؛ این چیزی است که از سال ۱۹۹۵، شاهد آن بوده ایم (نمودار ۳)

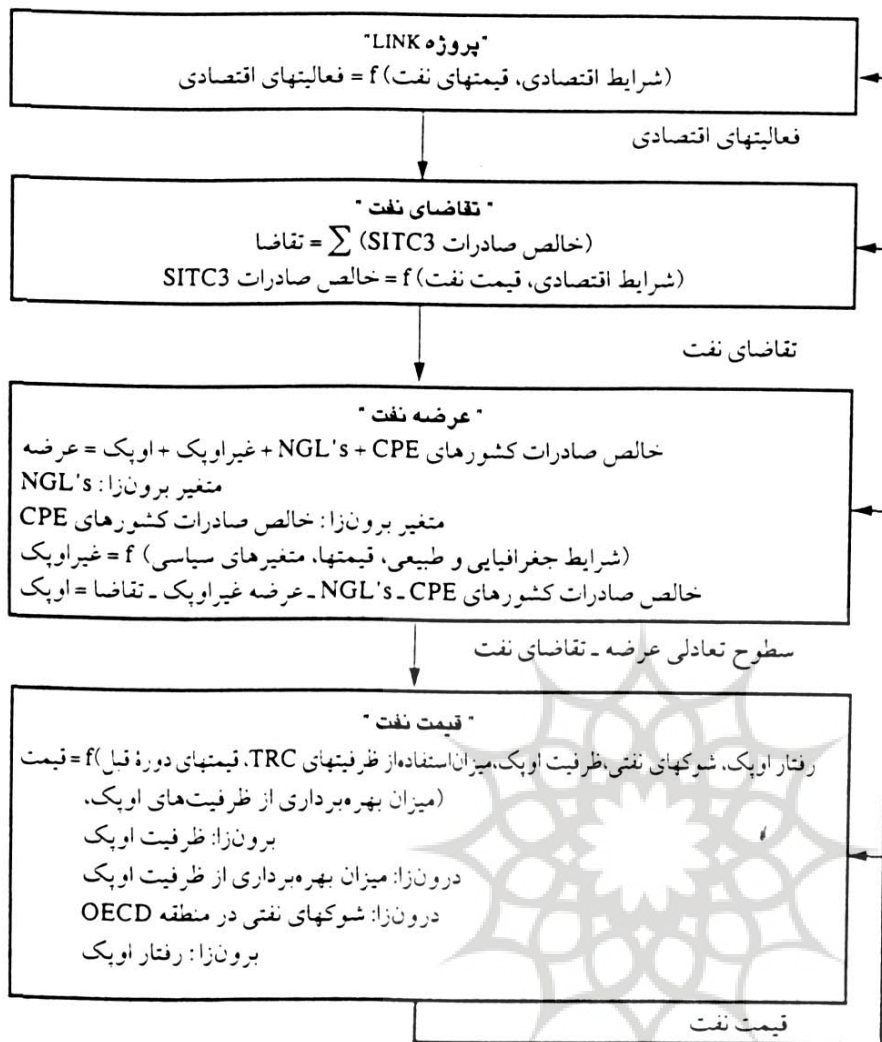
قیمت واقعی آن در سال ۱۹۷۳ تنظیم کنند؛ جهش قیمت‌ها در پی حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و نیز به دلیل ساختار و سیمای متحول شده بازار چندان دوام نیافت و به سرعت، به قیمت‌های پیش از بحران و پایین‌تر از آن، منتقل گردید.<sup>۲۲</sup>

فیزیکی صورت می‌گرفت و مراکز انگشت‌شماری اقدام به عملیات موازی در تجارت مالی نفت می‌نمودند، ایجاد و گسترش مراکز جدید بورس مالی یا کاغذی نفت، ظرفیت‌های تازه و بکری برای سوداگری دلان و معامله‌گران به وجود آورد. موقعیت‌هایی که به واسطه عدم تطابق کامل بازارهای فروش سلف با بازارهای فیزیکی نفت، اختلافات موجود بین بازارهای سنگاپور و روتردام و وجود نقصان در نوع ارتباط بازارهای فروش بنزین با گازوئیل به وجود آمده بود، در کنار فرصت‌هایی که از طریق معاملات نفت خام «برنت» و «دوبی» به دست می‌آمد، دلان و معامله‌گران نفتی را تشویق به بهره‌برداری و سودجویی بیشتر، با بکارگیری ابزارهای مالی در بازارهای غیر فیزیکی (کاغذی) نفت می‌کرد. به این ترتیب، اختلافات کوچکی به میزان چند سنت در هر بشکه یا هر تن نفت، عقد قراردادهای نفتی را در قالب بورس، سودآور کرده بود.

مدت زمان حمل نفت از جایگاه بارگیری تا مقصد نیز که در بعضی موارد به ۷ یا ۸ هفته می‌رسید، وضعیت موجود را پیچیده‌تر می‌ساخت و باعث افزایش قدرت مانور بورس بازان می‌گردید.

ورود موفقیت‌آمیز نفت «برنت» به صحنه معاملات کاغذی در سال ۱۹۸۸ و تأسیس مراکز جدید بورس نفتی (پس از بورس‌های IPE و NYMEX در لندن و نیویورک) تغییر ساخت بازار را به نفع جناح مصرف‌کنندگان تقویت و تحکیم کرد (در سال ۱۹۸۹، با تشکیل بورس ROEFEX در روتردام، GLOBEX در شیکاگو و SIMEX در سنگاپور، معامله‌گران توانستند به موازات تجارت بیست و چهار ساعته در بازارهای فیزیکی، به خرید و فروش نفت در بازارهای آتی طی ۱۸ تا ۱۹ ساعت از هر شبانه‌روز بپردازند).

این نهاد جدید در بازار جهانی نفت، به جناح مصرف‌کنندگان امکان داد تا در شرایط اشباع بازار (سالهای ۱۹۹۵-۱۹۸۶)، قیمت‌های واقعی نفت را حتی پایین‌تر از



SITC: Standard International Trade Classification  
STC3: Mineral Fuels  
TRC: Texas Railroad Commission

مبنای استفاده از ظرفیت عرضه می‌باشد و گروه دیگر مربوط به کشورهایی می‌شود (سازمان اوپک) که در قالب «تولیدکنندگان نهایی» نفت خود را عرضه می‌کنند. تعریف «سهیمه تولید» در بازار نفت، به این دلیل است که در صورت عدم پذیرش مسئولیت «تولیدکننده نهایی» توسط اوپک، رقابت دو گروه در تولید، سطح قیمت‌های نفت را تا مرز هزینه تولید نهایی آن کاهش می‌دهد. اما در این وضعیت، مکانیزم قیمت چگونه عمل می‌کند؟

مدل WOMS، تعیین قیمت‌های جهانی نفت را به «میزان تولید و ظرفیت عرضه اوپک» مرتبط می‌سازد.<sup>۲۲</sup>  
در الگوی دیگر (نمودار ۵) که یک مدل

این وضعیت، قیمت نفت با محاسبه هزینه نهایی کوتاه مدت، بشکه‌ای ۵ دلار محاسبه می‌شود که فرضی نزدیک به واقع برای یک متوسط جهانی است (حداًقل، تا نیمه اول دهه ۱۹۹۰). همچنین در این منحنی، عرضه‌کنندگان تحت تأثیر قیمت‌های انتظاری نفت خام در آینده قرار نمی‌گیرند و به دلیل پایین بودن ارزش حال (Present Value) بسیاری از ذخایر، انگیزه‌ای قوی برای نگهداشت و صرفه‌جویی در منابع نفتی ندارند (بدیهی است، با تغییر هر یک از این فروض در بازار، رفتار منحنی‌های عرضه و تقاضا دستخوش تحول می‌شود).

تولیدکنندگان در این مجموعه، به دو دسته قابل تفکیکند: گروهی که سطح تولید آنها بر

حال، پرسش اساسی آن است که آیا افزایش قیمت نفت در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ ناشی از شرایط مقطعی و کوتاه مدت عرضه و تقاضا خصوصاً وضعیت خاص عراق در بازار است یا این که متأثر از تغییر توازن در نیروی کارگزاران این مجموعه می‌باشد؟

شواهد موجود، حاکی از آن است که تحلیل دوم، پایه قوی‌تری دارد. مطابق این تحلیل ماهیت و ساختار بازار نفت به نفع جناح تولیدکنندگان در حال دگرگونی است. بنابراین با درک صحیح اوپک از چالش موجود و اتخاذ سیاست‌های رفتاری مناسب، روند صعودی قیمت‌های نفت می‌تواند روندی پایدار باشد.

منظر این چالش، از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. اما پیش از آن، تصویری از وضعیت بازار نفت ارائه می‌شود. نمودار ۴، منحنی‌های عرضه و تقاضای جهانی نفت را نشان می‌دهد.<sup>۲۳</sup>

در این نمودار، محور عمودی مربوط به قیمت‌های جهانی نفت خام است. منحنی تقاضا دارای سه قسمت است. این منحنی نشان می‌دهد که در کوتاه مدت با نوسان قیمت نفت خام میان ۱۰ تا ۳۰ دلار برای هر بشکه، سطح تقاضا تقریباً «کشش‌ناپذیر» است. در قیمت‌های اسمی بالای ۳۰ دلار و کمتر از ۱۰ دلار، منحنی تقاضا نسبت به قیمت بسیار کشش‌پذیر خواهد بود.

در طرف عرضه، منحنی دارای دو بخش است. بخش افقی معرف ظرفیت تولید و بخش عمودی ناظر بر میزان عرضه جهانی نفت است. در بخش عمودی منحنی، محدودیت‌های گوناگون در فرآیند عرضه نفت و محدودیت‌هایی که به واسطه جنگ، اعتصابات یا ممنوعیت‌های قانونی (مانند تحریم‌های سازمان ملل) بر بازار نفت حاکم می‌شود، نشان داده شده است.

محور افقی نشان می‌دهد که هزینه نهایی کوتاه مدت تولید نفت به اندازه کافی پایین است تا تولیدکنندگان، حتی در قیمت‌های پایین، عرضه نفت خود را متوقف نسازند. در





جدول (۲)  
موازنه عرضه و تقاضای جهانی نفت

۱۹۹۶	۱۹۹۵	میلیون بشکه در روز
۴۱	۴۰/۱	تقاضای کشورهای OECD
۳۱	۲۹/۹	سایر کشورها
۷۲/۱	۷۰	کل
۲/۸	—	درصد رشد نسبت به سال قبل
۲۵/۸	۲۵/۲	«عرضه»
۴۶/۱	۴۴/۸	اوپک
۷۱/۹	۷۰	سایر
-۰/۲	۰	کل
		تغییرات در ذخایر (غیر استراتژیک)

منبع: PIW، شماره هیجده نوامبر ۱۹۹۶

جدول (۳)

پیش بینی رشد عرضه و تقاضا تا سال ۲۰۰۰

۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	رشد تقاضای جهانی (mb/d)
۱/۸	۱/۷	۱/۶	سهم غیراوپک (mb/d)
۰/۷	۱/۲	۱/۴	سهم اوپک (mb/d)
۱/۱	۰/۵	۰/۲	سهم غیراوپک (درصد)
۳۹	۷۱	۸۸	سهم اوپک (درصد)
۶۱	۲۹	۱۲	

منبع: ماهنامه OPEC Bulletin، نوامبر و دسامبر ۱۹۹۶

جدول (۴)

پیش بینی های رشد عرضه و تقاضای جهانی نفت

سال	۲۰۰۰			۲۰۱۰			پیش بینی
	اوپک	IEA	EIA*	اوپک	IEA	EIA*	
رشد تقاضا (mb/d)	۶/۲	۵/۸-۸/۳	۷/۹	۹/۶	۱۶/۳-۱۸/۵	۱۱/۵	۶/۴
عرضه غیراوپک (mb/d)	۲/۷	۳/۳	۰/۷	۲/۰	-۰/۳-۱/۸	-۲/۰	۱
عرضه اوپک (mb/d)	۲/۵	۱/۳-۳/۸	۷/۲	۹/۲	۱۶/۷-۱۹/۳	۱۱/۹	۵/۴
سهم غیراوپک (درصد)	۲۴	۵۲-۷۴	۹	۴	-۱۸-۱۰	-۳	۱۶
سهم اوپک (درصد)	۵۶	۲۶-۴۸	۹۱	۹۶	۹۰-۱۱۸	۱۰۳	۸۴

\* Energy Information Administration; Annual Energy Outlook

مأخذ: منبع مذکور در جدول (۳)



جدول (۵)  
بررسی ذخایر جهانی نفت (میلیارد بشکه)

کشور	تولید ۱۹۹۲		ذخایر		کشف شده از نهلی		کشف نشده از نهلی		کشف شده از کل منابع		نقطه میانی در نقصان و تهی سازی (سال)
	تولید	گزارش شده	کشف شده	کشف نشده	کشف شده	کشف نشده	کشف شده	کشف نشده	٪	٪	
عربستان	۷/۸۲	۲۵۸/۷	۱۸۲/۸	۲۳/۹	۲۵۶/۲	۱۸/۶	۲۰۳/۲	۲۷۵/۰	۱۱	۱/۲	۲۰۱۶
شوروی سابق	۶/۹۹	۵۷/۰	۷۱/۵	۱۴/۵	۱۹۲/۲	۲۵/۶	۱۷/۱	۲۲۰/۰	۵۵	۲/۶	۱۹۹۰
ایالات متحده	۶/۶۴	۱۶۹/۹	۲۳/۰	۶/۹	۱۹۹/۷	۱۰/۳	۴۰/۱	۲۱۰/۰	۲۹	۵/۷	۱۹۹۳
عراق	۰/۵۲	۲۲/۳	۱۰۰/۰	۲۶/۲	۸۶/۱	۲۸/۹	۱۲/۷	۱۶۵/۰	۹۶	۰/۲	۲۰۲۳
ایران	۳/۵۷	۳۳/۸	۸۹/۳	۴۸/۶	۹۲/۲	۲۲/۶	۷۱/۲	۱۶۵/۰	۸۹	۱/۸	۲۰۰۸
ونزوئلا	۲/۳۷	۲۶/۱	۶۲/۵	۲۶/۶	۸۲/۰	۶/۰	۳۳/۹	۹۰/۰	۶۵	۲/۰	۱۹۹۳
کویت	۱/۸۵	۲۶/۶	۹۴/۰	۳۵/۰	۷۵/۶	۹/۲	۵۸/۲	۸۵/۰	۱۰۰	۱/۱	۲۰۱۴
ابوظبی	۱/۸۲	۱۲/۶	۱۲/۲	۳۸/۷	۶۶/۲	۳/۸	۵۷/۲	۷۰/۰	۹۸	۱/۲	۲۰۲۱
مکزیک	۲/۶۸	۲۱/۲	۵۰/۸	۲۲/۳	۴۸/۵	۳/۵	۳۰/۸	۵۲/۰	۷۳	۳/۱	۱۹۹۸
چین	۲/۹۵	۱۹/۲	۲۳/۰	۲۰/۷	۳۹/۹	۱۰/۱	۳۰/۸	۵۰/۰	۵۷	۳/۲	۲۰۰۰
لسی	۱/۳۷	۱۸/۸	۲۲/۸	۲۱/۳	۴۰/۱	۳/۹	۲۵/۲	۲۳/۰	۷۷	۲/۳	۲۰۰۱
نیجریه	۱/۹۳	۱۶/۳	۱۷/۹	۱۶/۵	۳۲/۹	۳/۱	۱۹/۷	۳۶/۰	۵۰	۳/۹	۱۹۹۷
بریتانیا	۲/۵۰	۱۲/۳	۴/۵	۱۴/۰	۲۶/۳	۲/۷	۱۶/۷	۲۹/۰	۲۳	۵/۲	۱۹۹۷
کانادا	۱/۷۲	۱۷/۸	۵/۰	۶/۵	۲۴/۳	۳/۶	۱۰/۲	۲۸/۰	۳۶	۵/۹	۱۹۸۸
اندونزی	۱/۳۳	۱۶/۳	۵/۸	۷/۲	۲۳/۸	۲/۲	۹/۷	۲۶/۰	۳۷	۴/۸	۱۹۸۷
نروژ	۲/۵۰	۷/۳	۹/۲	۱۳/۰	۲۰/۳	۳/۷	۱۶/۷	۲۴/۰	۷۰	۵/۲	۱۹۹۷
الجزایر	۰/۷۵	۹/۸	۹/۲	۷/۲	۱۷/۱	۱/۲	۸/۷	۱۸/۵	۲۷	۲/۹	۱۹۹۳
منطقه بی طرف	۰/۳۹	۵/۱	۵/۰	۴/۹	۹/۹	۱/۶	۶/۲	۱۱/۵	۵۶	۲/۱	۱۹۹۳
هند	۰/۶۲	۳/۷	۵/۸	۶/۲	۱۰/۰	۱/۰	۷/۳	۱۱/۰	۶۶	۳/۰	۲۰۰۱
مصر	۰/۸۹	۶/۳	۳/۳	۳/۶	۹/۸	۰/۷	۲/۲	۱۰/۵	۴۰	۵/۸	۱۹۹۱
عمان	۰/۸۰	۴/۲	۴/۸	۵/۳	۹/۷	۰/۸	۶/۱	۱۰/۵	۵۸	۴/۶	۱۹۹۵
برزیل	۰/۶۷	۳/۸	۴/۰	۴/۲	۸/۲	۱/۸	۶/۲	۱۰/۰	۶۲	۳/۸	۱۹۹۹
قطر	۰/۴۹	۵/۰	۳/۷	۴/۱	۹/۰	۰/۵	۲/۵	۹/۵	۴۸	۳/۲	۱۹۹۳
آرژانتین	۰/۶۶	۶/۱	۲/۲	۲/۰	۸/۱	۰/۹	۲/۹	۹/۰	۳۲	۷/۶	۱۹۸۶
کلمبیا	۰/۴۶	۳/۸	۳/۲	۳/۷	۷/۵	۱/۵	۵/۲	۹/۰	۵۸	۳/۱	۱۹۹۸
مالزی	۰/۶۴	۳/۲	۴/۳	۴/۵	۷/۶	۰/۹	۵/۳	۸/۵	۶۳	۴/۲	۱۹۹۸
آنگولا	۰/۵۴	۲/۲	۵/۲	۲/۹	۷/۳	۰/۷	۵/۶	۸/۰	۷۰	۶/۶	۲۰۰۱
رومانی	۰/۱۴	۵/۲	۱/۶	۱/۸	۷/۱	۰/۴	۲/۱	۷/۵	۲۸	۲/۳	۱۹۹۳

۱۹۹۰	۶/۲	۳۲	۶۶	۲۲	۱۲	۷/۰	۲/۹	-/۹	۶/۱	-/۲	۲/۱	۱/۶	۲/۱	-/۵۳	استرالیا
۱۹۹۵	۳/۸	۳۹	۵۲	۵۲	۷	۶/۰	۳/۱	-/۲	۵/۶	-۱/۶	۲/۷	۲/۳	۲/۱	-/۳۲	دبی
۱۹۹۷	۵/۹	۲۹	۲۲	۶۰	۱۰	۵/۵	۳/۳	-/۶	۲/۹	-/۳	۲/۸	۲/۵	۲/۲	-/۵۷	سوریه
۲۰۰۷	۲/۵	۱۱	۱۲	۹۰	۱۳	۵/۳	۲/۷	-/۷	۲/۶	-/۰	۲/۰	۲/۰	-/۶	-/۳۲	یمن
۱۹۹۶	۵/۰	۲۸	۵۲	۵۵	۱۴	۲/۸	۲/۶	-/۶	۲/۱	-/۱	۲/۰	۲/۰	۲/۲	-/۲۸	اکوادور
۱۹۹۵	۵/۷	۱۹	۶۱	۵۳	۲۳	۲/۰	۲/۱	-/۹	۳/۱	-/۱	۱/۲	۱/۳	۱/۹	-/۳۳	گابن
۱۹۸۲	۲/۲	۷۵	۶۹	۳۵	۶	۳/۸	۱/۳	-/۲	۳/۶	-/۲	۱/۱	۱/۴	۲/۵	-/۱۶	برونئی
۱۹۷۷	۶/۶	۱۵	۸۴	۱۹	۴	۳/۵	-/۷	-/۱	۳/۴	-/۰	-/۵	-/۵	۲/۸	-/۱۳	ترینیداد
۱۹۸۶	۲/۱	۳۶	۶۸	۳۷	۸	۳/۰	۱/۱	-/۲	۲/۸	-/۱	-/۹	-/۸	۱/۹	-/۱۳	برو
۱۹۷۲	۲/۰	.	۸۱	۲۲	۱۹	۲/۳	-/۵	-/۱	۲/۲	-/۰	-/۴	-/۴	۱/۷	-/۰۶	آلمان
۲۰۱۶	۱/۰	.	۱۶	۸۵	۶	۲/۰	۱/۷	-/۱	۱/۹	-/۱	۱/۶	۱/۵	-/۳	-/۰۵	نارجه
۱۹۹۵	۳/۲	.	۶۸	۵۲	۲۹	۲/۰	۱/۰	-/۶	۱/۴	-/۰	-/۵	-/۴	۱/۰	-/۰۹	تونس
۱۹۹۱	۵/۱	.	۳۹	۷۱	۳۵	۱/۸	۱/۲	-/۲	۱/۳	-/۱	-/۸	-/۷	-/۵	-/۱۸	دانمارک
۱۹۹۵	۷/۸	.	۵۶	۵۳	۱۶	۱/۸	-/۹	-/۳	۱/۵	-/۲	-/۶	-/۸	-/۸	-/۱۹	کنگو
۲۰۰۰	۷/۲	.	۲۸	۶۳	۳۵	۱/۶	۱/۰	-/۲	۱/۲	-/۰	-/۷	-/۶	-/۶	-/۰۹	ایتالیا
۱۹۹۶	۳/۴	.	۵۶	۵۳	۳۲	۱/۴	-/۷	-/۲	۱/۲	-/۰	-/۵	-/۵	-/۷	-/۰۷	ترکیه
۱۹۸۸	۳/۷	.	۷۷	۴۰	۲۲	۱/۴	-/۶	-/۳	۱/۱	-/۰	-/۳	-/۲	-/۸	-/۰۶	یوگسلاوی سابق
۲۰۰۲	۲/۴	.	۳۰	۸۶	۵۲	۱/۳	۱/۱	-/۷	-/۶	-/۱	-/۴	-/۵	-/۲	-/۱۳	ویتنام
۱۹۷۶	۱۲/۵	۸۹	۸۳	۲۲	۲۲	۱/۲	-/۳	-/۳	۱/۱	-/۰	-/۲	-/۲	-/۹	-/۱۱	بحرین
۲۰۰۲	۳/۹	.	۳۰	۹۱	۷۰	۱/۲	۱/۱	-/۸	-/۴	-/۰	-/۳	-/۲	-/۱	-/۱۲	پاپوآ
۱۹۹۱	۸/۶	.	۷۳	۳۸	۱۵	۱/۲	-/۵	-/۲	۱/۰	-/۱	-/۳	-/۴	-/۷	-/۱۱	کامرون
۱۹۸۶	۶/۴	.	۸۱	۳۷	۲۳	۱/۰	-/۴	-/۲	-/۸	-/۰	-/۱	-/۱	-/۶	-/۰۷	مجارستان
۱۹۸۸	۷/۴	.	۸۴	۳۲	۶۱	۱/۰	-/۳	-/۲	-/۸	-/۰	-/۱	-/۱	-/۷	-/۰۷	هلند
۱۹۸۶	۶/۹	.	۷۹	۳۱	۴۰	-/۹	-/۳	-/۱	-/۸	-/۰	-/۲	-/۲	-/۶	-/۰۶	فرانسه
۱۹۷۰	۴/۵	۷۱	۸۶	۲۰	۳۴	-/۹	-/۲	-/۱	-/۸	-/۰	-/۱	-/۱	-/۷	-/۰۲	اتریش
۱۹۸۶	۱/۵	.	۷۶	۳۵	۱۵	-/۸	-/۳	-/۱	-/۷	-/۰	-/۲	-/۲	-/۵	-/۰۱	آلبانی
۲۰۰۶	-/۲	.	۱۴	۹۴	۵۹	-/۸	-/۷	-/۴	-/۳	-/۰	-/۳	-/۲	-/۰	-/۰۰	فیلیپین
۱۹۹۵	۲/۲	.	۷۳	۵۵	۳۸	-/۸	-/۴	-/۳	-/۵	-/۰	-/۱	-/۱	-/۳	-/۰۳	بولیوی
۱۹۸۱	۱/۳	.	۵۸	۲۷	۱۰	-/۸	-/۴	-/۱	-/۷	-/۰	-/۳	-/۳	-/۴	-/۰۱	نپالی
۱۹۹۵	۵/۱	.	۶۱	۵۶	۲۸	-/۷	-/۴	-/۲	-/۵	-/۰	-/۲	-/۲	-/۳	-/۰۶	پاکستان
۲۰۰۰	۴/۵	.	۴۱	۷۲	۳۲	-/۶	-/۴	-/۲	-/۴	-/۰	-/۲	-/۲	-/۲	-/۰۶	تایلند
						۳۷/۵	۳۷/۴	۳/۴	۴/۵	-/۵	۲/۰	۱/۵	-/۲	-/۱۹	سایر
۱۹۹۹	۲/۲	۴۱	۵۰	۵۷	۱۴	۱۷۰۰/۰	۹۶۲/۰	۲۱۵/۰	۱/۴۸۵/۲	۲۵۳/۹	۷۳۵/۹	۱/۰۰۰	۷۳۸/۰	۶۰/۴۱	کل جهان
۲۰۱۶	۱/۲	۹۳	۳۱	۷۳	۱۳	۶۷۱/۵	۲۹۰/۴	۸۵/۹	۵۸۵/۶	-۲۳۴/۷	۴۰۲/۵	۶۳۹/۲	۱۸۱/۱	۱۵/۹۸	حوزه خلیج فارس
۱۹۹۲	۲/۷۶	۵۴	۶۱	۲۷	۱۳	۲۸۰/۷	۱۳۱/۲	۳۶/۷	۴۳۴/۰	۱۱/۴	۹۴/۵	۸۳	۱۴۹/۵	۱۰/۲۲	اروپای شرقی و چین
۱۹۷۵	۵/۷	۳۱	۸۴	۲۱	۶	۲۳۸/۰	۵۰/۳	۱۳/۹	۲۲۴/۱	۸/۴	۳۶/۴	۲۸/۰	۱۸۷/۷	۸/۳۸	آمریکای شمالی
۱۹۹۵	۲/۹	۶۴	۵۳	۵۲	۸	۱۸۲/۸	۹۴/۱	۱۵/۱	۱۶۷/۷	-۲۹/۵	۷۹/۱	۱۲۸/۶	۸۸/۶	۷/۶۱	آمریکای لاتین
۱۹۹۷	۳/۵	۳۷	۵۱	۵۴	۹	۱۲۶/۰	۶۷/۹	۱۱/۷	۱۱۴/۲	-۵/۳	۵۶/۲	۶۱/۶	۵۸/۰	۶/۲۰	آفریقا
۱۹۹۳	۴/۲	۳۸	۵۷	۵۰	۱۲	۶۰/۸	۳۰/۳	۷/۵	۵۳/۳	۲/۶	۲۲/۸	۲۰/۲	۳۰/۵	۳/۶۶	منطقه شرق
۱۹۹۷	۵/۱	۳۳	۴۶	۶۰	۲۱	۶۲/۸	۳۷/۷	۷/۹	۵۴/۹	۱۵/۸	۲۹/۸	۱۳/۰	۲۵/۱	۵/۵۵	اروپای غربی
۱۹۹۸	۳/۹	۲۲	۲۴	۵۹	۸	۴۰/۰	۲۳/۷	۳/۲	۳۶/۸	-/۵	۲۰/۶	۲۱/۰	۱۶/۲	۲/۶۱	دیگر کشورهای خاورمیانه

ماخذ: پترولیوم اکونومیست، ۱۹۹۵



جدول (۶) سرمایه‌گذارهای مورد نیاز جهت افزایش ظرفیت تولید نفت خام در کشورهای عضو اوپک

سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز (میلیارد دلار)			ظرفیت پایدار تولید (mb/d)			اعضای اوپک
۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۰۰	
۱۱	۷	۴	۰/۶۰	۰/۷۵	۱/۰۰	الجزایر
۵	۳	۲	۰/۲۰	۰/۲۵	۰/۳۰	گابن (عضو پیشین)
۲۵	۲۰	۱۴	۱/۰۰	۱/۲۰	۱/۳۰	اندونزی
۲۵	۱۷	۱۰	۵/۰۰	۵/۰۰	۴/۰۰	جمهوری اسلامی ایران
۱۸	۱۳	۸	۷/۰۰	۶/۰۰	۴/۰۰	عراق
۱۲	۸	۵	۴/۰۰	۳/۵۰	۲/۵۰	کویت
۱۸	۱۴	۸	۲/۱۰	۲/۲۰	۲/۰۰	لیبی
۲۰	۱۵	۱۰	۲/۵۰	۲/۷۵	۲/۲۰	نیجریه
۷	۴	۲	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۵۰	قطر
۳۰	۲۵	۱۵	۱۲/۵۰	۱۱/۰۰	۱۰/۰۰	عربستان
۱۳	۱۰	۶	۴/۰۰	۳/۵۰	۲/۸۰	امارات عربی متحده
۳۱	۲۳	۱۵	۳/۵۰	۳/۳۰	۲/۸۰	ونزوئلا
۲۱۵	۱۵۹	۹۹	۴۲/۸۰	۳۹/۹۵	۳۳/۴۰	ظرفیت تولید کل اوپک
۱۰۵	۷۷	۴۶	۳۲/۹	۲۹/۵۰	۲۳/۸۰	ظرفیت تولید اوپک در حوزه خاورمیانه
۴۸/۸	۴۸/۴	۴۶/۵	۷۶/۹	۷۳/۸	۷۱/۳	نسبت به کل اوپک (درصد)
			۵/۰۰	۴/۰۰	۳/۰۰	اوپک (NGL)
			۴۷/۸۰	۴۳/۹۵	۳۶/۴۰	کل ظرفیت تولید

مأخذ: OPEC Bulletin، دسامبر ۱۹۹۵

قیمتهای نفت داشته باشد. صحت این روش پیش‌بینی از روند قیمتهای اسمی نفت طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، به خوبی ثابت شده است. با توجه به مسیر صعودی قیمتها در دوره‌های تناوب ۳۰ و ۳ تا ۸ ساله از سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، همچنین اثر امواج بلند نوسان کندراتیف در دهه ۱۹۹۰، پیش‌بینی یک روند صعودی پایدار در قیمتهای جهانی نفت از سال ۱۹۹۵، دور از ذهن نخواهد بود.

### راهبردهای رفتاری اوپک

دوره از نوسانات قیمت می‌باشد.

۲- «دوره تناوب میان مدت ۳ تا ۸ ساله» - این دوره تناوب، در ارتباط با رویدادها، تنشها، تحولات سیاسی و سیاسی - اقتصادی در سطح جهان، تحلیل و تفسیر می‌شود.

۳- «دوره تناوب بلندمدت ۳۰ ساله» - فرآیند سرمایه‌گذارها و تغییرات ساختاری در بازار نفت، این دوره تناوبی قیمتهای جهانی نفت را به وجود می‌آورد.

۴- «دور یا امواج بلند نوسان ۵۰ تا ۶۰ ساله کندراتیف»<sup>۳۲</sup> - در دهه ۱۹۹۰، دوره مبتنی بر جریان‌ها و امواج بدهی‌های کندراتیف در اقتصاد، بسیار با اهمیت تلقی می‌شود و انتظار می‌رود که تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر

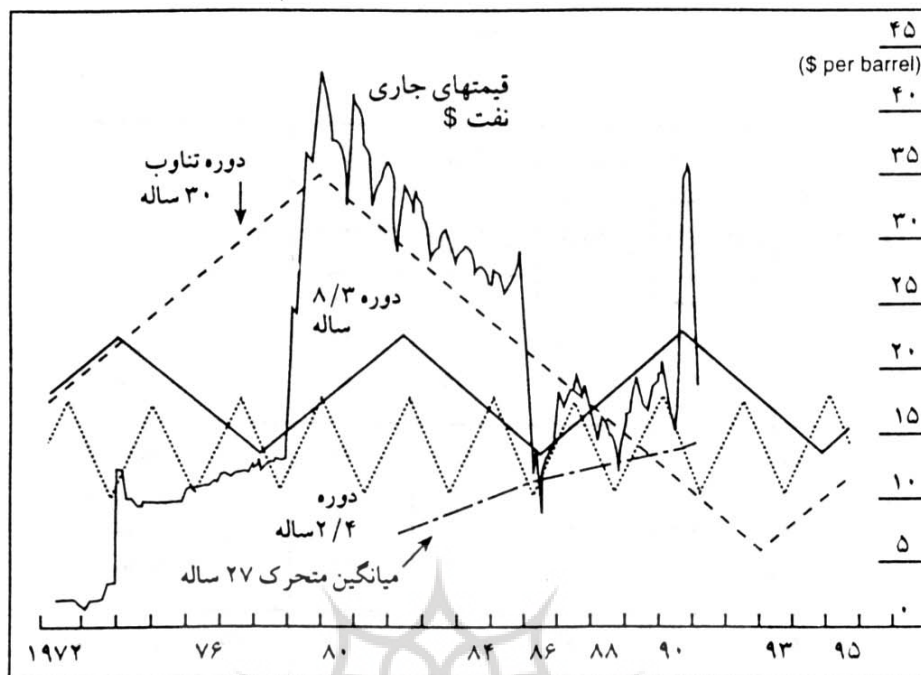
نکته قابل تأمل در اطلاعات و آمار ارائه شده (در جدول ۵)، نصف شدن منابع نفتی آمریکا در سال ۱۹۷۳ است. یک سال پس از آن، جهان شاهد اولین و مهمترین شوک نفتی در سال ۱۹۷۴ بود.

د) یکی از شیوه‌های تحلیل قیمت در بازار، بررسی «دوره‌های تناوب» قیمتهاست. در این ارتباط، یکی از تحلیل‌گران بازار نفت، نوسانات قیمتهای اسمی نفت را برآیندی از چهار دوره تناوب قیمت، معرفی می‌کند.<sup>۳۱</sup> (نمودار ۶):

۱- «دوره تناوب کوتاه مدت ۲ تا ۴ ساله» - تغییرات موجودی در انبارهای نفتی و نوسانات فصلی قیمت، موجب این

## نمودار ۶

## قیمتهای جاری و دوره‌ای نفت خام



۷. خطوط سرمایه‌گذاری برای دستیابی به ظرفیتهای پیش‌بینی شده در اوپک و جهان، ارائه شده است.

۲- وارد شدن کشورهای عضو در تجارت نفت با روشهای بازار بورس بازارهای کاغذی نفت و ابزارهای مورد استفاده در آن که به منظور حمایت جناح مصرف‌کنندگان در برابر خطر نوسانات قیمت پی‌ریزی شده به واسطه ورود کشورهای اوپک در طیفی وسیع به این بازارها که با هدف بهره‌گیری از امکانات موجود صورت گرفته است موجب رواج و در متن قرار گرفتن این بازارها شده است و بدین ترتیب، انتظار قرار گرفتن این بازارها در مسیر اصلی تجارت بین‌المللی نفت، دور از ذهن نخواهد بود. این بدان معناست که کشورهای تولیدکننده، به عرضه و فروش نفت خود در یک بازار رقابتی خواهند پرداخت که قیمتهای آن به دور از هرگونه سیاست‌گذاری و مدیریت اوپک بر بازار نفت، تعیین خواهد شد.

مجموعه، عملکرد انفعالی در برابر نوسانات تولید غیر اوپک و قیمتهای جهانی نفت است؛ به دیگر سخن این سازمان توجهی جدی به ترسیم و ارائه سیاستهای بلندمدت و راهبردهای خود نداشته است (در ده سال گذشته، تنها سیاست رفتاری اوپک در کوتاه تا میان‌مدت، اعلام دستیابی به قیمتهای رسمی ۲۱ دلار برای هر بشکه نفت خام بوده است).

در نتیجه، مهمترین وظیفه سازمان تا پیش از ورود به قرن بیست و یکم، تعیین سیاستهای سازمان در قرن آتی بر مبنای دوری از عوامل اضمحلال اوپک و تحکیم آن است.

مهم‌ترین عوامل اضمحلال اوپک را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

## ۱- نامربوط شدن مدیریت تولید

این پدیده زمانی رخ می‌دهد که اوپک در فرآیند سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت تولید، توفیقی به دست نیاورد و رشد تقاضا و قیمتهای جهانی، این سازمان را مجبور به تولید با حداکثر ظرفیت و در نتیجه عدول از سیاست «سه‌میله بندی» کند. در جدولهای ۶ و

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، در کارنامه خود، طی سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ نقاطی بارز و روشن و طی سالهای ۱۹۸۳ الی ۱۹۹۰ نقاط ضعف و عدم کارایی بارزی دارد. این سازمان با ترکیب ناهمگونی که دارد به خوبی تجربه کرده است که در مراحلی که اعضا از رهیافتهای واحد و یکپارچه سازمان تخطی کرده‌اند، ضررهای جبران‌ناپذیری به دیگر اعضا وارد ساخته‌اند (کشورهای عضو، به سه گروه قابل تفکیکند: (الف) کشورهای نظیر نیجریه و ونزوئلا که مشخصه اصلی‌شان، تولید در سطوح نزدیک به ظرفیت، نرخهای پایین R/P و ارقام بالای کسر بودجه در حسابهای جاری است؛ (ب) گروه کشورهای ایران، الجزایر و لیبی که خط‌مشی دفاع از قیمتهای عادلانه را دنبال می‌کنند؛ و (ج) گروه سوئی که به دلیل جمعیت کم، اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت و نرخهای بالای R/P، به دنبال حداکثر کردن منافع در رهیافتهای بلندمدت می‌باشند).<sup>۳۳</sup> از جمله نقاط ضعف و عدم کارایی در این



## جدول ۷

برآورد سرمایه‌گذارهای موردنیاز برای افزایش تولید نفت در مناطق مختلف جهان

۲۰۲۰		۲۰۱۰		۲۰۰۰	
سرمایه‌گذارهای موردنیاز <sup>۱</sup>	افزایش / کاهش تولید (mb/d)	سرمایه‌گذارهای موردنیاز	افزایش / کاهش تولید (mb/d)	سرمایه‌گذارهای موردنیاز	افزایش / کاهش تولید (mb/d)
(\$bn)	(mb/d)	(\$bn)	(mb/d)	(\$bn)	(mb/d)
۲۱۵	۱۷/۲	۱۵۹	۱۳/۳	۹۹	۵/۸ کل اوپک
۱۰۵	۱۳/۲	۷۷	۹/۸	۴۶	۴/۱ بخش خاورمیانه
۱۱۰	۴/۰	۸۲	۳/۵	۵۳	۱/۷ سایر اعضا
۱۵۵	-۲/۵	۱۶۸	-۱/۵	۸۹	۰/۳ کل «OECD»
۹۰	-۱/۰	۱۰۰	-۱/۰	۵۰	-۰/۴ آمریکای شمالی
۵۵	-۱/۴	۶۰	-۰/۳	۳۳	۰/۷ دریای شمال
۱۰	-۰/۱	۸	-۰/۲	۶	دیگر کشورهای «OECD» <sup>۲</sup>
۹۶	۱/۶	۸۶	۰/۹	۳۶	۰/۸ شوروی سابق
۶۵	۱/۰	۶۰	۰/۵	۲۵	جمهوری فدراتیو روسیه/۵
۳۰	۰/۵	۲۵	۰/۳	۱۰	۰/۲ چین
۱/۰	۰/۱	۱/۰	۰/۱	۱/۰	کشورهای اروپای شرقی ۰/۱
۸۹	۰/۳	۷۵	۰/۷	۳۵	کل کشورهای درحال توسعه ۱/۲
۵۵۵	۱۶/۶	۴۸۸	۱۳/۴	۲۵۹	۸/۱ کل جهان
۳۸/۷	۱۰۳/۶	۳۲/۶	۹۹/۳	۳۸/۲	۷۱/۶ سهم اوپک (درصد)

مأخذ: منبع مذکور در جدول شماره (۶)

دامنه نوسانات قیمتهای جهانی نفت را کنترل نماید.

### کلام آخر

درآینده مبهم بازار نفت در سالهای باقیمانده از قرن بیستم و شروع قرن جدید، علیرغم توانمندی بالقوه بازار در افزایش قیمتهای جهانی نفت، اگر اوپک در محورهای مورد بحث در مدیریت بازار نفت، مداخله جدی نکند و به نقش آفرینی مؤثر و کارا نپردازد، نه تنها انتظار افزایش قیمتهای مورد نظر و مطلوب اوپک به حداقل ممکن می‌رسد،

بسیار مهم اما پیچیده است. یکی از روشها و طرحها در این راهبرد، انتقال مرکز تجارت بین‌المللی نفت از لندن و نیویورک، به مهمترین منطقه نفتی جهان یعنی حوزه خلیج فارس است. اجرای صحیح این طرح، از عوامل مهم در چرخش بازار از «بازار مصرف‌کنندگان» به «بازار تولیدکنندگان» خواهد بود.

ب - مدیریت تولید با هدف تنظیم دامنه نوسان قیمت

تعیین سطوح تولید با مشخص نمودن حداکثر و حداقل فاصله آن با ظرفیت تولید، مهمترین راهبرد رفتاری این سازمان خواهد بود. با اتخاذ این روش و اجرای صحیح آن، اوپک قادر خواهد بود تا به صورت غیرمستقیم،

۳- عدم توجه به منافع جمعی اوپک و تقسیم کار منطقه‌ای با کشورهای غیر اوپک در چهار حوزه آمریکای جنوبی، آفریقا، خلیج فارس و جنوب شرق آسیا

با مشخص شدن عوامل اضمحلال اوپک (به صورت رسمی یا غیر رسمی) می‌توان سیاستهای اوپک را به منظور نقش آفرینی، بدین شرح ترسیم کرد:

الف - بهینه‌سازی امور بازاریابی و فروش در قالب مدیریت جدید اطلاعات و قیمت‌گذاری  
اجرای این سیاست و روشهای اعمال آن،

نام اقتصاددان روسی ان.دی. کندراتیف است. دوره‌های کندراتیف شامل موجهایی از قیمت‌ها، تولید و تجارت به مدت پنجاه تا شصت سال است. برطبق نظر کندراتیف، این دوره‌ها به جریان ذاتی و به ماهیت سرمایه‌داری و به ویژه به تراکم سرمایه مربوط است؛ این اقتصاددان چنین استدلال می‌کند: تغییرات در فن تولید، جنگها و انقلابها، گشایش بازارهای جدید و از این قبیل، رقابتهای اتفاقی و بی‌هدف نیستند که بر دور تأثیر نمایند بلکه بیشتر، جزئی از آهنگ موجهای بلند می‌باشند «به نقل از فرهنگ علوم اقتصادی؛ دکتر منوچهر فرهنگ، ۱۳۷۲»

33. «The Options for independent oil exporting countries in the 1990s», *Energy Analysis and Policy*/ 1990.

- and stability in the oil market», By Samii M. and Clemenz C., *Energy Policy*, Aug. 1986, Volume 16, Number 4.
15. *OPEC Review*, Spring 1988.
16. *PIW*, Feb, 10, 1986.
17. «Netback pricing and the oil price collaps of 1986». Mabro R., 1987.
18. «Spot oil, Netbacks and petroleum Futures», By Fesharaki F. & Razavi., 1987.
۱۹. «نوسانات قیمت و برآیند نیروهای بازار در تجارت جدید نفت»، بهروز پورسینا، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر - آبان سال ۱۳۷۴.
20. «A detailed simulation approach to world energy modelling: the SIBILIN and POLES experience», By Patrick C./ «World oil market simulation», By Baldwin & Prosser, *International Energy Economics*, Edited by Sterner, 1992.
21. «The future of Futures, the oil Market in the 1990s», By John E. & Treat B. / 1990.
۲۲. منبع مذکور در زیرنویس شماره ۱۹.
23. «Oil prices; the start of an era?», Stevens P., *Energy Policy*, No.5, 1996.
24. «World oil market simulation», Baldwin. N. & Prosser R., *International Energy Economics*, 1992.
۲۵. مدل LINK، يك مدل اقتصادسنجی برای اقتصاد جهانی است و شامل مدل‌های اقتصاد کلان ۷۸ کشوری می‌گردد که فعالیت‌های اقتصادی آنها در يك ماتریس تجارت بین‌المللی تعریف شده است.
26. «A model of the world oil market for project LINK», Kafmann, Robert K., *Economic Modelling*, No. 2. 1995.
۲۷. منبع مذکور در زیرنویس شماره ۲۳.
28. «Oil futures prices and stock management; A cointegration analysis», Balabanoff S., *Energy Economics*, No.3, 1995.
29. «Oil Market and Prices, Brent market and Formation of World Oil Prices», Horsnel & Mabro, 1993.
۳۰. منبع مذکور در زیرنویس شماره ۲۳.
31. «Cycling Towards Low Prices» Hapton M., *Petroleum Economist*, April 1991.
۳۲. يك سلسله امواج بلندنوسان اقتصادی به

بلکه موجبات تضعیف و حتی اضمحلال (غیر رسمی) خود را نیز فراهم می‌سازد. بی تردید، قیمت‌های تضعیف شده نفت نیز طی سالهای باقیمانده تا سال ۲۰۰۰، تا حدود زیادی متأثر از سیاستهای انفعالی و مسامحه‌کاری اوپک خواهد بود (البته این اتفاق، تا حدّ زیادی نامحتمل است).

بنابراین راهبرد اوپک در قرن آینده، مدیریت بازار و نه منفعل بودن در برابر آن است. این رهیافت، نه در تفسیر «بودن» یا «نبودن»، بلکه در ترسیم «بایدها» و «نبایدها» خلاصه می‌شود.

### یادداشتها و بی‌نویسها

1. «A Long time are coming», *Petroleum Economist*, June 1990.
۲. داستان اوپک، پیر ترزیان، ترجمه عبدالرضا غفرانی فر، ۱۳۶۹.
۳. گزارش اقتصاد انرژی، ترجمه سازمان برنامه و بودجه، بهمن ۱۳۶۷، به نقل از: John M. Hartwick & Nancy D. Olewiler «Economics of Natural Resource use».
۴. منبع مذکور در زیرنویس شماره ۱.
۵. Oil industry in 1980s, *INTRECREONOMICS*, April 1984 / ترجمه محسن طلائی.
۶. مذکور در زیرنویس شماره ۵.
7. International Energy Agency, *Oil Market Report*, 1987.
۸. به گزارش «عملکرد بازار نفت ۸۶-۱۹۷۳»، نوشته دکتر فیروزه خلعتیری رجوع شود / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۶۷.
۹. منبع مذکور در زیرنویس شماره (۵).
۱۰. منبع مذکور در زیرنویس شماره (۵)
۱۱. منبع مذکور در زیرنویس شماره (۸)
12. «Report of the Experts of the Ministerial Executive council on the Definition of Marketing Malpractices of Member Countries», London, Sep. 13-14, 1985.
۱۳. به نقل از منبع مذکور در زیرنویس شماره (۸).
14. «Exchange rate fluctuations